دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

نحوه مداخله عنصر تقوا به‌عنوان عامل غیرمعرفتی بر معرفت با محوریت آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾

محمد بهرامی[۱]

چکیده

در دهه‌های اخیر، توجه پژوهشگران به عوامل غیرمعرفتی که ممکن است بر نحوه تولید معرفت تأثیر بگذارند، افزایش یافته است. یکی از این عوامل غیرمعرفتی که در تحقیقات علوم انسانی و اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته، عنصر «تقوا» است. تقوا در جایگاه مفهومی اخلاقی و دینی در قرآن کریم، نه‌تنها به‌عنوان راهنمایی برای رفتار فردی و اجتماعی مطرح شده است؛ بلکه در فرایند تولید معرفت نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. تقوا به‌عنوان یک ویژگی اخلاقی و معنوی، جایگاه برجسته‌ای در نظام قرآنی دارد و به معنای خودکنترلی، پرهیز از گناه و پایبندی به ارزش‌های الهی تعریف می‌شود. اما پرسش کلیدی این است که تقوا به‌عنوان یک عنصر غیرمعرفتی چه نقشی در فرایند تولید معرفت ایفا می‌کند؟ و آیا می‌توان آن را عنصری غیرمعرفتی دانست که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر معرفت تأثیر می‌گذارد؟ توجه به تأثیر تقوا در تولید معرفت، دو دسته پرسش را برمی‌انگیزد: نخست آنکه رابطه میان تقوا و معرفت در چه بستری شکل می‌گیرد و آیا این رابطه، مستقل از عناصر معرفتی است؟ دوم آنکه فرایند تقوا به‌عنوان یکی از عناصر غیرمعرفتی بر تولید معرفت چگونه است؟ براین‌اساس، مقاله حاضر به دنبال آن است با روش توصیفی ـ تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای، اینترنت و هوش مصنوعی، مفهوم تقوا را به‌عنوان یک عنصر غیرمعرفتی تحلیل و بررسی کند و تأثیر آن را بر تولید معرفت، از منظر قرآن کریم، مورد مداقه قرار دهد. بدیهی است که نتیجه آن می‌تواند به توجه بیشتر به مباحث میان‌رشته‌ای، ازجمله روان‌شناسی، فلسفه و دین گردد.

واژگان کلیدی: مداخله، تقوا، معرفت، عامل غیرمعرفتی.

---

۱. سطح سه حوزه، دکتری فلسفه دین دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ gmbahrami1353@gmail.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

۱. بیان مسئله

اینکه معرفت می‌تواند مبتنی بر عوامل غیرمعرفتی باشد، امری مورد اتفاق بوده و کمتر کسی با آن مخالفت کرده است. اما در دوران معاصر، به طور ویژه‌ای به آن توجه کرده‌اند. تأثیر عوامل غیرمعرفتی در ادراک انسان تا جایی پیش رفت که باعث شد عقل، حجیت معرفت‌شناختی خود را به‌کلی از دست بدهد. احساسات به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از طبیعت انسانی، تأثیر عمیقی بر فرایند تولید معرفت و باور دارند. آنها می‌توانند انگیزاننده جست‌وجوی حقیقت، ارزیابی‌کننده شواهد، و حتی توجیه‌کننده باورها باشند. بااین‌حال، تأثیر احساسات باید با دقت، تحلیل و مدیریت گردد تا از سوگیری‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن جلوگیری شود. ازاین‌رو بررسی نقش احساسات در تولید معرفت نه‌تنها می‌تواند به فهم بهتر فرایندهای معرفت‌شناختی انسان کمک کند، بلکه رویکردهای جدیدی را در فلسفه معرفت و روان‌شناسی شناختی پیشنهاد می‌دهند. رسیدن به معرفت ازطریق تقوا، یکی از موضوعات کلیدی و مهم در فلسفه اسلامی و همچنین روان‌شناسی معنوی است. در اندیشه اسلامی، تقوا به‌عنوان یکی از مسیرهای اساسی برای رسیدن به معرفت واقعی و حقایق هستی شناخته می‌شود. فرایند روانی دستیابی به معرفت ازطریق تقوا، شامل گام‌هایی مانند تطهیر نفس، تنظیم نیت، شهود و بصیرت، و اتصال معنوی به خداوند است. تقوا به فرد کمک می‌کند تا از مرزهای عقل و تجربه عبور نماید و به معرفتی عمیق‌تر و الهی‌تر دست یابد. این معرفت، برخلاف دانش صرفاً تجربی، با حکمت و نور معنوی همراه است و حقیقت را هم بر عقل و هم بر دل آشکار می‌سازد. درنهایت، معرفت مبتنی بر تقوا، انسان را به گشودگی نسبت به حقیقت مطلق و به آرامش وجودی رهنمون می‌سازد و بر روی رفتارها و فرایندهای اجتماعی و سیاسی نیز اثری عمیق می‌گذارد. یکی از آیات قرآن که به تأثیر تقوا بر معرفت اشاره دارد، آیه ۲۹ سوره انفال است که می‌فرماید: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾؛ یعنی اگر تقوا داشته باشید، به شما قوه تشخیص حق از باطل داده می‌شود. حال پرسش کلیدی این است که تقوا چه نقشی در فرایند تولید معرفت ایفا می‌کند؟ آیا تقوا صرفاً عنصری اخلاقی است یا می‌تواند به‌عنوان عاملی همبسته با روش‌های تولید معرفت در نظر گرفته شود؟ در این مقاله سعی داریم به سؤالات زیر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و هوش مصنوعی و

باهدف ترویج مباحث دینی با نگاه جدید معرفت‌شناسی و ایجاد انگیزه به دانش‌پژوهان و طلاب حوزه‌های دینی برای ورود به مباحث دین‌پژوهی با رویکردهای نوین پاسخ دهیم.

الف) عوامل معرفتی و غیرمعرفتی چیست؟

ب) چگونه تقوا یک عامل غیرمعرفتی به شمار می‌آید؟

ج) تقوا چگونه منجر به معرفت می‌شود؟

د) طبق آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ عنصر تقوا چگونه منجر به معرفت می‌گردد؟

۲. مفهوم‌شناسی

مفاهیم کلیدی و مبنایی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱ـ۲. عومل غیرمعرفتی

بحث از تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر معرفت، یکی از مباحث جدید معرفت‌شناسی است و از لحاظ تاریخی، طرح این مبحث، به ویلیام جیمز، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی در قرن نوزدهم بازمی‌گردد (اکبرزاده، ۱۳۹۰، ص۵۹). ویلیام جیمز که از روان‌شناسان مهم در دین به شمار می‌رود، معتقد است عوامل معرفتی، سهم بسیار اندکی در باورها و اعتقادات ما دارند و با عوامل غیرمعرفتی قابل مقایسه نیستند. وی همچنین معتقد است برخلاف عوامل غیرمعرفتی، هرچند عوامل معرفتی عمیق و باارزش هستند، ولی با سطح زندگی آدمی تماس دارند و به عمق آن نفوذ ندارند (ویلیام جیمز، ۱۳۴۳، ص۵۶ـ ۵۷ و ۱۹۲). عوامل غیرمعرفتی مؤثر بر معرفت، اموری هستند که باوجود اینکه به خودی خود نظری شناختی و معرفتی به شمار نمی‌آیند و بیشتر عملی کاربردی و غیرمعرفتی هستند، اما در شکل‌گیری و گسترش یا در فروکاهش برخی از معارف انسانی مؤثر می‌باشند. عوامل غیرمعرفتی، ازنظر میزان تسلط و کنترلی که فرد بر آنها دارد، یکسان نیستند. برخی از آنها کمتر و برخی بیشتر تن به کنترل هوشیارانه آدمی می‌دهند. این عوامل هر قدر به کانون زیستی و بیولوژیک آدمی نزدیک‌تر باشند، تغییر و کنترل هوشیارانه آنها سخت‌تر است. بنابراین، انتظار اینکه فرد تحت تأثیر این دسته از عوامل قرار نگیرد، چندان موجه نیست. اما عوامل هر قدر به کانون روحی، روانی و اخلاقی فرد نزدیک‌تر باشند، تغییر و کنترل آنها به نسبت ساده‌تر و درنتیجه، انتظار کنترل آنها

معقول‌تر خواهد بود. حال این امور غیرمعرفتی چه هستند؟ این امور، خود به سه دسته کلی قابل تقسیم‌اند: امور غیرمعرفتی فردی و جسمانی؛ امور غیرمعرفتی فردی و نفسانی(روحی ـ روانی)؛ و امورغیرمعرفتی اجتماعی (ملکیان، ۱۳۸۱، ص۳۰ ـ ۳۱). عوامل غیرمعرفتی مؤثر بر معرفت، در اولین تقسیم‌بندی با نظر به نسبتی که با انسان دارند، به عوامل مرتبط با بیرون انسان (بیرونی) و عوامل مرتبط با درون انسان (درونی) تقسیم می‌شوند به‌عبارت‌دیگر، عوامل غیرمعرفتی عواملی هستند که از جنس معرفت و شناخت نیستند، اما می‌توانند در تولید و ساختار معرفت، تأثیرگذار باشند (عباس‌زاده، ۱۳۹۴، ص۱۰۵). بحث از عوامل غیرمعرفتی در روند شکل‌گیری بر باورها، اندیشه‌ها و علوم می‌تواند درک ما را از معرفت و عوامل آن تعمیق ببخشد و از آسیب‌های آن بکاهد.

دوفصلنامه علمی تخصصی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱ـ۱ـ۲. عوامل درونی

مقصود از عوامل درونی غیرمعرفتی عواملی هستند که به درون انسان مرتبط‌اند؛ مانند افعال و کنش‌های فردی، میل و اراده، خوی‌ها، منش‌ها، عادات، احساسات و عواطف، ظرفیت‌های ژنتیکی و وراثتی، توانایی‌های جسمانی و روانی و... (همان). از نگاه ارزش‌نگرانه، عوامل درونی، خاصه افعال و کنش‌های فردی به دو دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شوند.

الف) عوامل مثبت و سازنده یا عوامل ارزشی: منظور عوامل غیرمعرفتی است که بر معرفت انسانی تأثیر مثبت و سازنده دارند و گاه از این عوامل، به «معدّات معرفت» تعبیر می‌شود.

ب) عوامل مخرب یا غیرسازنده و غیرارزشی: منظور عوامل غیرمعرفتی است که تأثیر منفی و مخرب بر معرفت دارند و در دسته «موانع معرفت» به شمار می‌آیند (عباس‌زاده، ۱۳۹۷، ص۵۶).

۲ـ۱ـ۲. عوامل بیرونی

عوامل غیرمعرفتی بیرونی، عواملی مرتبط با بیرون انسان است؛ مانند عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و تمدنی، زیست‌شناختی، جغرافیایی و زیست‌محیطی. در این میان، اموری از قبیل خانواده، دوستان و همسایگان، جامعه، فرهنگ و دین و اعتقادات، تعلیم‌وتربیت، شرایط اقتصادی، سیاسی، قومیت و نژاد، اقلیم و جغرافیا و نیز جامعه، آداب و رسوم، والدین، همسالان، قومیت اجتماعی و... در این گروه جای می‌گیرند (همان، ۱۳۹۴، ص۱۰۵).

۲ـ۲. عوامل معرفتی

معرفت، دریافت عقلانی صور غیرمادی، ذات محض یا کلی است که ماهیات اشیا را تشکیل می‌دهد. فلاسفه مسلمان، معرفت را امری ممکن می‌دانند و باور دارند که سعادت انسان، تنها ازطریق دریافت عقلانی چنین کلیاتی حاصل می‌شود و عقل انسان برای شناخت صور غیرمادی، بر چنین حواسی متکی است. معرفت[1] معنایی عام‌تر از علم[2] دارد. این معرفت می‌تواند معرفت علمی، معرفت عقلی، معرفت اشراقی و یا معرفت دینی باشد. به‌عبارت‌دیگر، معیار ما در تمییز معارف مختلف از یکدیگر، روش حصول این معارف است. اگر روشی که برای تولید معرفت به کار می‌بریم، روش تجربی باشد، آنگاه معرفت به‌دست‌آمده، معرفت علمی خواهد بود و اگر روش حصول معرفت، روش عقلی باشد، معرفت حاصل، معرفت فلسفی است. همچنین درصورتی‌که روش ما روش اشراقی باشد، معرفت حاصل نیز معرفت اشراقی خواهد بود و درصورتی‌که معرفت ما با استفاده از منابع دینی به دست آید، یک معرفت دینی خواهد بود.

۳ـ۲. درون‌نگری معرفتی

درون‌گرایی در حوزه معرفت‌شناسی، دیدگاهی است که معمولاً می‌گوید که همه یا بیشتر عواملی که باعث معرفت‌بخشی باورهای درست می‌شود، عوامل درونی هستند. از سوی دیگر، معرفت‌شناس بیرونی‌گرا می‌گوید که مسائل معرفت یا توجیه، منحصراً یا عمدتاً بستگی به عواملی نظیر این دارند که باور چگونه شکل گرفته است؛ یا سازوکاری که موجب ایجاد باور در شخص شد، چقدر قابل اعتماد بوده است؛ و مسائلی که از دیدگاه شخص باورنده، درونی نیستند. مثلاً می‌توان دو شخص را تصور کرد که زندگی ذهنی آنها یکسان است، یعنی دنیا ازنظر هر دو آنها، یکسان به نظر می‌رسد؛ ولی باورهایشان نسبت به مسائل موردبحث باهم تفاوت دارد. کسی که از دیدگاه بیرونی‌گرایانه درباره توجیه پیروی می‌کند باید بگوید که باور این دو شخص، وضعیت «توجیه» یکسانی دارد (هر دو توجیه‌شده، یا هر دو توجیه‌نشده هستند، آن هم به یک اندازه) و کسی که از دیدگاه درونی‌گرایانه درباره شناخت پیروی می‌کند باید بگوید: اگر باورهای این دو «همزاد» هر دو درست باشند، معرفت‌بخشی آنها نباید فرقی باهم داشته باشد (What Is Epistemology? "A Brief Introduction")

1. Knowledge
2. science

۴ـ۲. تقوا

۱ـ۴ـ۲. تقوا در لغت

تقوا از مصدر وقایه، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. گفته‌اند این کلمه در اصل «وقوی» بوده که واو آن به تاء بدل شده است. مصدر اتّقاء از همین ریشه به معنای ترسیدن و حذر کردن است. اسم فاعل آن، تقیّ و متّقی به معنای «صاحب تقوا» است. همچنین گفته شده است که تقوا یعنی مصون داشتن خویش از آنچه خوف آسیب و گزند آن وجود دارد. به سبب ملازمت میان تقوا و خوف، این واژه راخوف نیز معناکرده‌اند(ابن منظور، ۱۹۹۸م، ج۱۵، ص۴۰۲ و راغب، ۱۴۱۶، ج۱، ص ۸۸۱، ذیل‌ماده«وقی»)

۲ـ۴ـ۲. تقوا در اصطلاح

ابتدایی‌ترین معنای این واژه، به کاربرد آن در میان عرب پیش از اسلام برمی‌گردد. فعل «اتقی» در زبان آنان لزوماً معنای دینی یا اخلاقی نداشته و در زمینه‌ای عرفی به این معنا بوده است که شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد، حایل و مانعی مادّی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ج۱، ص۳۰۵). در قرآن فعل «اتقی» بارها به این معنا به کار رفته است؛ ازجمله ﴿أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ یعنی در روز قیامت، دست‌های انسان ـ که ابتدایی‌ترین سپر دفاعی او در برابر آسیب و گزند است ـ چنان بسته است که او برای حفظ خود باید چهره‌اش را که شریف‌ترین عضو اوست، حایل قرار دهد (فخر رازی، بی تا، ج۲۶، ص۲۷۴). پیش از اسلام، گاه معنای مادّی اتّقی استعلا یافته و به معنای اخلاقی به کار می‌رفته است که نمونه‌هایی از آن، در اشعار عرب جاهلی دیده می‌شود؛ ازجمله در این مصراع عمروبن‌اَهْتَم سَعدی: «و کُلُّ کَریمٍ یَتَّقِی الذَّمَ بالقِری؛ انسان کریم در برابر دیگران، مهمان‌نوازی را حایل خود قرار می‌دهد» (ابوتمام، ۱۹۸۰، ج۱، ص۵۴۱). همین معنا در زمینه‌ای مشابه در قرآن نیز دیده می‌شود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾؛ «اما کسی که بخشایش و پرهیزگاری کرد». واژه اتّقی در انتزاعی‌ترین حالت، البته با همان ساخت معنایی، در میان حنیفیان در زمینه‌ای معنوی به کار می‌رفت و به این معنا قولی را آورده که بنابر آن متقی کسی است که اعمال صالح خویش را سپر عذاب الهی قرار دهد. با این معنا می‌توان برخی آیات راجع به تقوا را تفسیر کرد؛ ازجمله آیه ﴿... وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾؛ «از او بترسید و نماز

بگزارید» یعنی که شخص در برابر مجازات و عقاب الهی، اطاعت و عبادت را سپر خویش قرار دهد. طبرسی قولی را آورده که بنا بر آن متقی کسی است که اعمال صالح خویش را سپر عذاب الهی قرار دهد (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص۳۰۸). با این معنا می‌توان برخی آیات راجع به تقوا را تفسیر کرد؛ ازجمله این آیه را ﴿... وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾؛ «از او بترسید و نماز بگزارید» که تقوا در معنای کلی به معنای «خودنگه‌داری»، «پرواپیشگی» یا «تقویت پرهیز از گناهان» است.

۳. بررسی مفهوم تقوا در قرآن و ارتباط آن با معرفت

باتوجه‌به اینکه همواره تصرف وهم و قوای ذهنی و تصرف شیطان در مجاری ادراکی غیرمعصوم محتمل است، ازاین‌رو نمی‌توان به مدعیات غیرمعصوم تکیه کرد. هرچند ممکن است خود عارف شاهد به شرطی که با خطوط کلی و جامع دین مخالف نباشد، به آن اعتماد کند. براین‌اساس اگر کسی توانایی فهم رتبه ویژه‌ای را نداشته باشد یا آن را از دست داده باشد، دانش آن رتبه برایش دست‌نیافتنی است؛ چنان‌که گفته‌اند: «من فقد حسا فقد فقد علما». اگر صفای باطنی نداشته باشد، به ادراک‌های عرفانی راهی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج۳۹، ص۲۴۴). از نگاه قرآنی، تقوا فراتر از یک فضیلت اخلاقی صرف است و به یک حالت درونی و وجودی اشاره دارد که انسان را به درک حقیقت و تقرب به معرفت حقیقی سوق می‌دهد. تقوا عمدتاً با سه ویژگی تعریف می‌شود:

الف) تزکیه نفس: پاک‌سازی درونی از آلودگی‌ها و گناهان.

ب) جهت‌دهی اراده و نیت: تمرکز بر حقیقت، پرهیز از هواهای نفسانی و عمل برای رضای خداوند.

ج) ارتباط با خداوند: تثبیت یک پیوند معنوی عمیق که انسان را به منابع معرفت الهی متصل می‌کند.

۱ـ۳. اهمیت تقوا در تولید معرفت بر اساس آیه «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا»

تقوا زمینه دستیابی به اهداف فراوان است. بنابراین، تقوا هدف نهایی نیست؛ بلکه هدفی نسبی است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج۳۵، ص۴۶). مبنای تقوا، همه مراتب اعتقادی، اخلاقی و اعمال را شامل می‌شود. «فرقان» نوعی گرایش قلبی است که خدا در دل انسان پدید می‌آورد و ادراک می‌شود،

ولی در وصف نمی‌آید. انسان باتقوا، حق بودن کارش را می‌فهمد؛ هرچند برهان آن را نداند و نتواند از راه کلام یـا قلـم دفـاع کند. بالاتر از مرتبه عرفان که بهره اشـخاص، دقیق‌تر و شـفاف‌تر می‌شـود این اسـت که خدا راه علمی را به صاحبان فرقان می‌آموزد. براین‌اسـاس، گرایش و بینش، ارمغان تقواست (جوادی آملی ۱۳۹۵، ج۴۰، ص۵۲۵). بر اساس آیات قرآن، تقوا نه‌تنها برای زندگی فردی، بلکه بـرای زندگـی اجتماعـی نیز مهم اسـت. فـردی که متقی باشـد، به طور طبیعی بـه دنبال صحت و درستی در دانش و آگاهی است و از خطاها پرهیز می‌کند. این نوع تفکر سبب می‌شود تا فرد توانایی بیشتری در تولید معرفت و تحقیق در زمینه‌های مختلف داشته باشد. در قرآن، آیات متعددی به مفهوم تقوا پرداخته‌اند. به طور خاص، آیه ۲۹ سوره انفال: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾؛ «اگر تقوا داشـته باشـید خداوند قوه تشـخیص حق از باطل در شـما قرار می‌دهد» نشان‌دهنده اهمیت این مفهوم اسـت. تقوا به‌عنوان یک جایگاه اخلاقی و دینی در قرآن توصیف می‌شـود. قرآن به‌عنوان یک منبع معرفتی بسـیط، شـامل انبوهی از آموزه‌ها و مفاهیم است که راهنمایی‌های لازم را برای زندگی فردی و اجتماعی به انسان‌ها می‌دهد. تولید معرفت در قرآن، شامل شناخت حقایق مرتبط با زندگی، اشارات به علم و دانش، و تأکید بر تفکر و تأمل در آیات الهی می‌شود.

۲ـ۳. تفاوت معرفت مبتنی بر تقوا و معرفت غیرتقوایی

الـف) معرفـت مبتنـی بر تقـوا: این نوع معرفـت، بر پایه پاکـی و تصفیه نفس از هواهای نفسـانی اسـتوار اسـت و دسترسـی به حقایقی فراتر از ماده و تجربیات صرفاً حسـی را امکان‌پذیر می‌سـازد. این معرفت، با نور الهی همراه است و به آرامش و بصیرت منجر می‌شود.

ب) معرفت غیرتقوایی: در این نوع از معرفت، رشـد شـناختی، اغلب تحت تأثیر انگیزه‌های غیرالهی (مانند قدرت، شهرت یا منفعت شخصی) قرار دارد. این نوع معرفت ممکن است به خطا یا سوگیری متمایل شود.

۳ـ۳. تقوا به‌عنوان یک عنصر معرفتی

تقـوا از آموزه‌هـای حیات‌بخش انبیا اسـت و اگر کسـی آن را نشناسـد و به کار نبنـدد، از رهاورد آن بهره‌ای نمی‌برد؛ یعنی از بیان تمیز میان حق و باطل و تشـخیص صدق و کذب محروم می‌ماند

(جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج۳۹، ص۳۴۴). تقوا نه‌تنها جنبه اخلاقی دارد، بلکه ازنظر معرفتی نیز تأثیرگذار است. درواقع تقوا می‌تواند به بهبود و گسترش دانش و آگاهی‌های فردی کمک کند. افراد باتقوا به دلیل پرهیز از ناپسندها و انجام کارهای نیک می‌توانند شناخت بهتری از خود و جهان پیرامون پیدا کنند و درنتیجه، ظرفیت‌های بیشتری برای تولید معرفت خواهند داشت. حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: علم تنها آموختن نیست؛ بلکه آن نوری است که خداوند در دل آن کسی که می‌خواهد هدایتش کند قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱، ص۲۲۵). با این بیان روشن می‌گردد که هر انسانی که با ملکوت اعلی ارتباط پیدا کند، معارفی در نفسش القا می‌گردد؛ بدین معنی که قلب آدمی چونان آینه‌ای است و حضرت حق چون آفتاب. هرقدر آینه، پاکیزه و صیقلی باشد، همان قدر نور حق در آن بیشتر تابیدن گیرد و همه جا را روشن گرداند. خداوند در آیه ۲۹ سوره انفال ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ در مسئله معرفت‌شناسی اشاره به این دارد که اگر اهل تقوا باشید، قدرت فرق بین حق و باطل به شما می‌دهیم؛ چه در مسائل نظری می‌فهمید کدام حق و صدق است و کدام کذب، و چه در مسائل عملی می‌فهمید کدام خیر است، کدام شر و کدام حسن است و کدام قبیح.

۴ـ۳. فرایند تولید معرفت توسط عنصر تقوا بر اساس آیه «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا»

این فرایند به فهم بهتر و عمیق‌تر از مفاهیم قرآنی کمک می‌کند. تولید معرفت در قرآن، یک فرایند پویاست که به عوامل گوناگونی وابسته است. این عوامل، شامل تقوا، تفکر و تلاش مستمر در جهت فهم درست معانی آیات و آموزه‌های دینی است. از منظر فلسفی و روان‌شناختی، تقوا می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تصفیه ذهن و قلب انسان عمل کند. این حالت، چندین اثر مستقیم و غیرمستقیم در فرایند شناخت و تولید معرفت دارد:

۱ـ۴ـ۳. تطهیر قلب و ذهن از پیش‌داوری‌ها

احکام و پیش‌داوری‌های ذهنی، یکی از موانع اصلی در تولید معرفت حقیقی‌اند. تقوا، با پاک کردن نفس از هیجانات و خواسته‌های نفسانی (مانند تکبر، حسادت و تعصب)، امکان دسترسی به معرفتی خالص‌تر را فراهم می‌کند. تقوا افزون بر پوشاندن بدی‌ها و زشتی‌ها و آمرزش لغزش‌ها،

نـوری را در دل انسـان ایجـاد می‌کند که در بسـیاری از موارد تشـخیص می‌دهـد که کدامش حق اسـت، و کدامش باطل، صدق اسـت یا کذب، خیر اسـت یا شـر، زشـت اسـت یا خیر (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج۳۳، ص۱۷۵). خداونـد در قـرآن می‌فرمایـد: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾ (اعـراف: ۱۷۹)، گویـی پیش‌داوری‌ها و ناپاکی نفس، مانعی در برابر استفاده از قلب و عقل است. تقوای جوانحی تقوایی اسـت کـه محـل ظهور آن، قلب و باطن انسـان اسـت و دارای طهـارت و نورانیتی می‌شـود که آثار فراوانی از خود بروز می‌دهد. قرآن می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حـج: ۳۲). تقـوای قلوب در مقابل تقوای جوارح انسـان اسـت. این دو تقـوا در یکدیگر اثر متقابل دارند و تقوای قلب موجب پیدا شدن تقوای جوارح می‌شود. اگر انسان ملتزم شد که ازنظر اعمال جوارحی در راه درست گام بردارد و مطیع خدای متعال باشد، کم‌کم در قلب اثر می‌گذارد و قلب را نورانـی و مصفـا می‌کنـد. تقوای قلب، عمل جوارحی، عمل پاکیـزه و بااخلاص را به دنبال دارد و از سویی اعمال مصفا و پاکیزه، موجب تطهیر قلب می‌شوند.

۲ـ۴ـ۳. پرهیز از تقاضاهای غیرضروری و انحرافی شناختی

تقوا کمک می‌کند تا ذهن از تعقیب مسیرهای معرفتی بدون بنیاد و کاذب بپرهیزد. متفکران اسلامی معتقدند که برخی از انواع دانش بشر، بی‌ثمر است و موجب دوری از حقیقت می‌شوند. عقل پس از آنکه پذیرفت بسیاری از چیزها را نمی‌فهمد، اگر به وحی ایمان بیاورد و به دستور وحی عمل کند، و اهل تهذیب و تزکیه گردد، بر اساس آیه ﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا﴾، بر اثر تقوا، قدرت فرق‌گذاری و تشـخیص بسـیاری از امور را پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج۳۹، ص۶۲۴). اهل تقوا این توانایی را می‌یابنـد کـه توجـه خود را بر حقایـق متمرکز کنند. برای اینکه خدا علیم محض اسـت، یک آدم که باتقوا باشد، چشمش باز می‌شود؛ زیرا «**حب الدنیا رأس کل خطیئه**» و «**حب الشیء یعمی و یصم**». اگر کسـی اهل حب دنیا نباشـد، کر و کور نیسـت. تمام شناخت‌های حق، ریشه الهی دارد. معلمش خداست. اینکه در سوره مبارکه بقره فرمود: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ﴾، گرچه آنجا به‌صورت ترس و جزا نیست، اما این وحدت سیاق، یک اسناد تعلیم به ذات اقدس الهی دو نشان می‌دهد که:

اولاً تقوا در اینکه انسان شاگرد خدا باشد بی‌اثر نیست.

ثانیاً ذات اقدس الهی معلم انسان است. اگر کسی شاگرد خدا بود، چیزی درست یاد می‌گیرد.

این را می‌گویند علم لدنی. این را از نزد خدا یاد می‌گیرد، لذا گاهی انسان بالا می‌رود: ﴿دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾. آن نصیب هرکسی نیست. گاهی در اثر تقوا و دل‌شکستگی و طهارت روح به جایی می‌رسد که «عال فی دنوه و دان فی علوه» پیش آن می‌آید: «انا عند المنکسرة قلوبکم». این نصیب آدمی می‌شود، لذا علمی که انسان اینجا یاد می‌گیرد با دنی فتدلی خیلی فرق دارد. بالأخره ذات اقدس الهی «عند المنکسرة قلوبهم» هست. کسی است که «دان فی علوه» طبق بیان نورانی امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه، اگر او «دان فی علوه» است، پس «عند المنکسرة قلوبهم» هست. وقتی آنجا هست چیزی را در قلب القا می‌کند و آنچه را که القا کرد می‌شود لدن. معرفت‌شناسی اصلاً سخن از خدا و شیطان نیست. تمام علوم، معلمش خداست. تمام مغالطه‌ها معلمش شیطان است. این اصلاً مطرح نیست. این قرآن است می‌فرماید تمام علوم حقه معلمش خداست. می‌خواهی علم درست پیدا کنی، در همین رشته‌های یادشده، با خدا رابطه برقرار کن. که اگراین رابطه قطع شود، گرفتار مغالطه می‌شوی. اگر شما باتقوا باشید، زن و مرد شرط نیست، سن شرط نیست، شهری روستایی شرط نیست، شرط شرکت در کلاس الهی که آدم شاگرد خدا بشود خدا معلم او بشود تقواست (همان، ۱۳۹۴، ج۳۴، ص۲۵۳).

۳ـ۴ـ۳. ایجاد شفافیت روحی و دریافت الهامات

یکی از نتایج تقوا، رسیدن به بصیرت الهی و دریافت مستقیم الهامات از خداوند است. دریافت علوم و معارف که نصیب انسان می‌شود از راه الهامات الهی، باواسطه یا بی‌واسطه فرشتگان است (همان، ۱۳۹۷، ج۴۶، ص۴۱۱). به تعبیر امام علی علیه‌السلام «آنگاه از روح خود در آن بدمید. آن جسم خاکی که جان یافته بود، از جای برخاست که انسانی شده بود با ذهنی که در کارها به جولانش درآورد و با اندیشه‌ای که به آن در کارها تصرف کند و عضوهایی که چون ابزارهایی به کارشان گیرد و نیروی شناختی که میان حق و باطل فرق نهد و طعم‌ها و بوی‌ها و رنگ‌ها و چیزها را دریابد» (نهج البلاغه، خطبه۱، ص۵). از این منظر، تقوا نوعی پالایش قلب و ذهن است که موجب می‌شود پرده‌های غفلت کنار بروند و فرد به معرفتی روشن‌تر و عمیق‌تر از حقیقت برسد. قرآن در قالب قضیه‌ای شرطی در آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ اعطای نور الهی را مشروط به تقوا می‌کند که تنها به داشتن تقوا، خدا نور تشخیص حق از باطل را در شما قرار می‌دهد. کسی که خدا هیچ نوری برایش قرار ندهد، هیچ نوری نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج۳۹، ص۲۴۵).

۴. فرایند روانی انسان در مسیر تقوا و معرفت

۴ـ۱. پاک‌سازی درونی و تهذیب نفس (تربیت اراده)

در نخستین گام برای رسیدن به معرفت ازطریق تقوا، انسان نیاز دارد که اراده خود را از خواسته‌های بی‌اساس و گرایش‌های نفسانی آزاد کند. این کار نیازمند کسب توانایی خودکنترلی است ازطریق اعمالی همچون:

الف) خودآگاهی (مشاهده و بازخوانی رفتارهای خود).

ب) مراقبت از اعمال و افکار (تصحیح رفتار بر اساس اصول دینی).

ج) عبادت و دعا (تقویت پیوند با خداوند).

نتیجه این مرحله، ایجاد ذهنیتی آزاد از تعصبات و آماده برای پذیرش حقیقت است. تقوا نقش بسیار مهمی در تقویت و پرورش اراده انسان دارد؛ زیرا تقوا باعث تملک نفس، اتکال به حق و پرهیز از گناهان است. ازاین‌رو سبب رشد و تقویت اراده می‌گردد. هیچ عملی مانند گناه، برای تضعیف اراده و سستی عزم، تأثیر ندارد. زمانی که انسان توسط تقواپیشگی، درهای گناه را به روی خود ببندد و هوای نفس را کنترل کند، اراده او قوی‌تر می‌شود. قرآن دررابطه‌با تأثیر تربیتی تقوا می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ﴾؛ «و اگر صبوری و پرهیزکاری پیشه کنید، پس بی‌شك، نشانه عزم استوار شما در کارهاست» (آل‌عمران: ۱۸۶).

۴ـ۲. تثبیت نیت خالص و تقویت ایمان

انگیزه و نیت، نقش اساسی در شناخت ایفا می‌کند. تقوا به انسان کمک می‌کند تا نیت‌های خود را خالص نماید و شناخت را فقط برای رضای خدا و کشف حقیقت بجوید. این امر موجب می‌شود که فرد در مسیر معرفت، دچار کج‌روی یا سوگیری‌های نفسانی نشود.

۴ـ۳. شهود و بصیرت روحی

در گام بعدی، زمانی که ذهن و نفس پاک شد، شرایط برای پیدایش شهود و بصیرت فراهم می‌شود. در اندیشه اسلامی، تقوا از عناصر اصلی دستیابی به علم شهودی یا معرفت حضوری است و ازطریق ارتباط با منبع هستی (خداوند)، انسان را به حقیقت رهنمون می‌کند. در مورد

عدم بازنشانی راه درست از نادرست، و سردرگمی آدمی، خداوند سبحان راه تقوا را راهنمای او قرار می‌دهد؛ چنان‌که بر اساس آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ بهترین فرقان، گرایش دل است و برترین فتوا، رای او، اگر سالم نگه داشته شود (همان، ۱۳۹۴، ج۳۵، ص۲۵۳).

۴ـ۴. تعمیق معرفت به‌واسطه حکمت و عمل صالح

پس از روشن شدن حقیقت، انسان اهل تقوا برای تعمیق معرفت خود، به حکمت دست می‌یابد. حکمت که نتیجه تقوا و علم است، معرفتی عمیق و بنیادین است که نه‌تنها بر عقل، بلکه بر دل و روان انسان نیز تأثیر می‌گذارد. این نوع معرفت، با عمل صالح ترکیب، و موجب تثبیت حقیقت در وجود انسان می‌شود. عقل پس از آنکه پذیرفت بسیاری از چیزها را نمی‌فهمد، اگر به وحی عمل کرد و اهل تهذیب و تزکیه شد، بر اساس آیه ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ بر اثر تقوا، قدرت فرق‌گذاری و تشخیص بسیاری از امور را پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج۳۹، ص۶۲۴).

نتیجه‌گیری

احساسات به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از طبیعت انسانی، تأثیر عمیقی بر فرایند تولید معرفت و باور دارند. آنها می‌توانند انگیزاننده جست‌وجوی حقیقت، ارزیابی‌کننده شواهد، و حتی موجه‌کننده باورها باشند. بااین‌حال، تأثیر احساسات باید با دقت تحلیل و مدیریت شود تا از سوگیری‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن جلوگیری شود. ازاین‌رو:

- بررسی نقش احساسات در تولید معرفت نه‌تنها می‌تواند به فهم بهتر فرایندهای معرفت‌شناختی انسان کمک کند، بلکه رویکردهای جدیدی را در فلسفه معرفت و روان‌شناسی شناختی پیشنهاد می‌دهد. رسیدن به معرفت ازطریق تقوا، یکی از موضوعات کلیدی و مهم در فلسفه اسلامی و همچنین روان‌شناسی معنوی است. اگرچه بسیاری از فیلسوفان و متفکران غربی، فرایند دستیابی به معرفت را صرفاً به حیطه‌های عقلانی و تجربی محدود کرده‌اند، در اندیشه اسلامی، تقوا به‌عنوان یکی از مسیرهای اساسی برای رسیدن به معرفت واقعی و حقایق هستی شناخته می‌شود.

- معرفت مبتنی بر تقوا، انسان را به گشودگی نسبت به حقیقت مطلق و به آرامش وجودی رهنمون می‌سازد و می‌توان گفت که تقوا به‌عنوان یک عنصر معرفتی، نه‌تنها در تولید معرفت از منظر فردی تأثیرگذار است، بلکه بر روی رفتارها و فرایندهای اجتماعی و سیاسی نیز اثری عمیق دارد.
- تحلیل مفهوم تقوا در قرآن و تأثیر آن بر سیاست، جامعه و آموزش‌وپرورش نشان می‌دهد که چگونه این عنصر می‌تواند به تقویت آگاهی، شفافیت و انصاف در جوامع بینجامد. همچنین تقوا به‌عنوان یک مفهوم عمیق و چند بُعدی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روان انسان‌ها بگذارد. از افزایش خودآگاهی و سلامت روان تا بهبود روابط اجتماعی و مدیریت استرس، تقوا به‌عنوان یک عنصر کلیدی در روان‌شناسی می‌تواند مفید واقع شود. در دنیای پیچیده امروز، توجه به مفهوم تقوا نه‌تنها به بهبود زندگی فردی، بلکه به افزایش رفاه اجتماعی نیز کمک می‌کند. همچنین می‌توان گفت که تقوا نه‌تنها به‌عنوان یک اصل دینی، بلکه به‌عنوان یک ابزار روان‌شناختی، در فهم، تعامل و سازگاری با دنیای فردی و اجتماعی بسیار مؤثر است.
- تقوا ابزار لازم برای تولید معرفت در قرآن را فراهم می‌آورد و فرد و جامعه را به سمت رشد و توسعه صحیح رهنمون می‌کند. تقوا به‌عنوان یک عامل غفلت معرفتی، نه‌تنها به نگهداری از سطح آگاهی و تولید معرفت کمک می‌کند، بلکه مسئولیت‌پذیری و تفکر انتقادی را در انسان‌ها تقویت می‌نماید. این امر نه‌تنها به بهبود سطح دانش فردی منجر می‌شود، بلکه جامعه‌ای آگاه‌تر و متعهدتر به حقیقت و عدالت را نیز به وجود می‌آورد.
- درنهایت، هرچه انسان‌ها به تقوا نزدیک‌تر شوند، قدرت آنها در تولید معرفت و درک معنوی عمیق‌تر از زندگی و روابط اجتماعی افزایش خواهد یافت. بنابراین، تقوا باید به‌عنوان یک اصل کلیدی در فرایند تولید معرفت شناخته شود و در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی، پیاده‌سازی گردد.

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۸م)، لسان العرب، ج۱۵، بیروت: دار احیا التراث العربی.

۲. ابوتمام، حبیب بن اوس (۱۹۸۰م)، دیوان المحاسبه، به روایت موهب ابن احمد جوالیقی، چاپ عبدالمنعم احمد صالح.

۳. اکبرزاده، میثم (۱۳۹۰ش)، «تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر فرایند معرفت»، نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش۴۸، تابستان، ص۵۹ ـ ۶۸.

۴. ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۶۱ش)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۵. ـــــــــ (۱۳۷۸ش)، مفاهیم اخلاقی ـ دینی در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: بی جا.

۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳ش)، تفسیرتسنیم، تحقیق: محمدفراهانی وحسین اشرفی، ج ۳۳، قم: مؤسسه الاسراء.

۷. ـــــــــ (۱۳۹۴ش) تفسیر تسنیم، تحقیق: روح الله رزقی، ج۳۴، قم: مؤسسه اسراء.

۸. ـــــــــ (۱۳۹۴ش) تفسیر تسنیم، تحقیق:عطاء الله میرزاده، ج۳۵، قم: مؤسسه اسراء.

۹. ـــــــــ (۱۳۹۵ش)، تفسیر تسنیم، تحقیق: روح الله رزقی، ج۴۰، قم: مؤسسه الاسراء.

۱۰. ـــــــــ (۱۳۹۵ش)، تفسیر تسنیم، تحقیق: محمدجواد دشتی، روح الله رزقی و احمد حمالی، ج۳۹، قم: مؤسسه اسراء.

۱۱. (۱۳۹۷ش) تفسیر تسنیم، تحقیق: حسین اشرفی، ج۴۶، قم: مؤسسه الاسراء.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۶م)، المفردات فی غریب القرآن، ج۱، تهران: دار القلم.

۱۳. شیریف‌رضی، محمدحسین (۱۳۹۱)، نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه‌السلام.

۱۴. عباس‌زاده، مهدی (۱۳۹۴ش)، «تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر معرفت در فلسفه شیخ اشراق»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، فصلنامه علمی پژوهش معرفت شناسی و حوزه‌های مرتبط، ش۶۲، ص۱۰۲ ـ ۱۲۸.

۱۵. ـــــــــ (۱۳۹۷ش)، «تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر معرفت در فلسفه فارابی»، پژوهش‌های عقلی نوین، ش۵، بهار و تابستان، ص۵۵ ـ ۷۰.

۱۶. فخر رازی، محمدبن‌عمر (بی‌تا)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء العربی.

۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.

۱۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱ش)، طبقه‌بندی شبهات دینی در دین پژوهشی در جهان معاصر، چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات احیاگران.

۱۹. ویلیام، جیمز (۱۳۴۳ش)، دین و روان، ترجمه: مهدی قائنی، تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب.